

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۸۲-۶۵

اهمیت گزارش مورخان ارمنی در ثبت حوادث فتوحات اعراب در دو قرن اول هجری (با استناد به دو کتاب تاریخ سبئوس و تاریخ عیون^۱)

بهمن زینلی^۱
علی اکبر جعفری^۲
هایک ساریان^۳

چکیده

آغاز فتوحات اعراب مسلمان و فروپاشی امپراتوری ساسانی نقطه عطفی در تاریخ ایران و مناطق پیرامون آن است. فتوحات اسلامی سرفصل جدیدی از حوادث تاریخ اسلامی را رقم زده است. ثبت این حوادث توسط مورخان عرب و ایرانی با دو قرن تأخیر انجام شد. در این حین مورخان ارمنی به ویژه سبئوس و عیون که در قرن ۷ و ۸ میلادی به ثبت و ضبط این وقایع پرداختند، اولین مورخان غیرمسلمان در حوزه تاریخ نگاری فتوحات اسلامی هستند. در حوزه فتوحات اعراب خصوصاً فتح ایران، گزارش های گوناگونی به قلم مورخان عرب و ایرانی ارائه شده است. این گزارش ها با فاصله زمانی بسیار زیاد پس از وقوع حوادث، روایت شفاهی چند نسل و تحت تأثیر باورهای اعتقادی و هویتی راویان ارائه شده است. سؤال پژوهش حاضر این است که گزارش های منابع ارمنی سده ۷ و ۸ میلادی درباره فتوحات اعراب مسلمان حاوی چه ویژگی هایی است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که گزارش های منابع دست اول ارمنی در مورد استفاده مورخان مسلمان قرار گرفته است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تطبیقی و با استناد به گزارش های تاریخ سبئوس و تاریخ عیون انجام شده نشان می دهد که گزارش های مورخان ارمنی درباره فتوحات اعراب از لحاظ زمانی هم عصر فتوحات اسلامی و از نظر اعتقادی و هویتی بی طرفانه تر نوشته شده است.

کلیدواژه ها: تاریخ نگاری اسلامی، تاریخ سبئوس، تاریخ عیون، فتح ایران، فتوحات اسلامی، منابع ارمنی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) . b.zeynali@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. a.jafari@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

haiksarian@gmail.com

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۱/۲۷

The importance of Armenian historians' reports in recording the events of the Arab conquests in the first two centuries of Hijri (with reference to the two books of *Sebeos history* and *Ghevond history*)

Bahman Zainli^۱

Ali Akbar Jafari^۲

Hayek Sarian^۳

Abstract

The beginning of the Muslim Arab conquests and the collapse of the Sassanid empire is a turning point in Iran's history and its surrounding regions. Islamic conquests have marked a new chapter in the events of Islamic history. These events were recorded by Arab and Iranian historians two centuries later. Meanwhile, Armenian historians especially Sebeos and Ghevond, who recorded these events in the 7th and 8th centuries AD, are the first non-Muslim historians in the field of the historiography of Islamic conquests. In the field of Arab conquests especially the conquest of Iran, various reports have been presented by Arab and Iranian historians. These reports have been presented long after the events, the oral narrative of several generations, and influenced by the narrators' beliefs and identity. The question of the present research is what are the characteristics of the reports of the Armenian sources of the 7th and 8th centuries AD about the conquests of Muslim Arabs? The hypothesis of the research is that the reports of Armenian first-hand sources have been used by Muslim historians. This research using a descriptive and comparative method and based on historical reports of Sebeos and Ghevond indicates that the Armenian historians' reports about the Arab conquests were written at the same time as the Islamic conquests and more impartial in regards to belief and identity.

Keywords: Islamic historiography, *Sebeos history*, *Ghevond history*, Iranian conquests, Islamic conquests, Armenian sources.

^۱ Assistant professor, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding author). b.zeynali@ltr.ui.ac.ir

^۲ Associate professor, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. a.jafari@ltr.ui.ac.ir

^۳ Master of Iran history in Islamic period, Department of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran. haiksarian@gmail.com

درآمد

ظهور دین اسلام یکی از وقایع و رخداد‌های بسیار مهم تاریخ جهان بود که موجب دگرگونی و تحولی بزرگ در نظم سیاسی و اجتماعی جهان شد. با به وجود آمدن بینش و جهان‌بینی جدید در نزد اعراب مسلمان، یک حکومت متحد و یکپارچه اسلامی از لحاظ سیاسی و اجتماعی پدید آمد. با قدرت‌گیری و اتحاد قبایل عرب و تشکیل خلافت اسلامی، دوره فتوحات اعراب آغاز شد. اعراب مسلمان در زمان کوتاهی موفق شدند بیشتر بخش‌های امپراتوری ایران و روم را به زیر سلطه خود درآورده و بزرگترین حاکمیت سیاسی جهان را در قالب خلافت اسلامی تشکیل دهند.

سرعت و دامنه گسترده فتوحات عربی-اسلامی توجه مورخان و گزارشگران عرب، ایرانی و سایر ملل را به خود جلب کرد. از جمله این گزارشگران، مورخان ارمنی هستند که از نظر زمانی نزدیک به تحولات عصر فتوح به نگارش حوادث آن پرداختند. در قرن هفتم و هشتم میلادی در ارمنستان دو مورخ بزرگ، یعنی سبتوس و غوند به ثبت حوادث و رویدادهای زمان خود توجه کردند. آنها در بسیاری از گزارش‌ها، شاهدان عینی وقایع بودند و همین امر باعث شده تا گزارش‌های این دو مورخ در بازشناسی خیلی از وقایع و حوادث تاریخی به‌ویژه فتح ایران مفید و مؤثر باشد. تاریخ غوند تاکنون از زبان ارمنی به زبان‌های دیگر ترجمه نشده اما کتاب سبتوس به زبان‌های دیگری از جمله فارسی ترجمه شده‌است؛ با این همه گزارش‌های آنها به‌ویژه درباره فتوحات اسلامی مورد ارزیابی و نقد قرار نگرفته است.

پیشینه پژوهش

درباره موضوع مقاله حاضر تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است اما درباره تاریخ‌نگاری ارمنه مقالات عالمانه‌ای تدوین شده که از جمله آنها می‌توان به اینها اشاره کرد: «تاریخ اسقف سبتوس و اهمیت آن در پژوهش تاریخ ایران» نوشته سارکسیان (۱۳۸۴ش)؛ «ایران‌شناسی در منابع ارمنی» نوشته بایوردیان (۱۳۷۶ش)؛ «موسی خورنی» نوشته سارکسیان (۱۳۷۶ش)؛ «تاریخ ایران باستان در آینه مورخان ارمنی» نوشته گهرویی (۱۳۹۷ش)؛ «ملاحظات بر متن تاریخ غوند و روایت‌های آن» نوشته مانوکیان

(۱۳۹۷ش). این مقالات عمدتاً به تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری مورخان ارمنی پرداخته‌اند. از این‌رو در این مقاله سعی شده‌است تا گزارش‌های سبئوس و غوند درباره فتوحات اعراب مسلمان در ایران مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

تاریخ‌نگاری ارمنی

پس از پیدایش الفبای ارمنی به دست مسروپ ماشتوتس^۱ قدیس، تاریخ‌نگاری مدون ارمنی نیز از سده پنجم میلادی با رویکرد جدید دینی پایه‌گذاری شد. به سبب رشد و ترقی کتابت، سده پنجم میلادی به سده طلایی تاریخ‌نگاری ارمنی مشهور است (نوری زاده، ۱۳۹۴). نویسندگان ارمنی برای دفاع از ارزش‌های ملی و انتقال آن به نسل‌های بعد، به تاریخ‌نگاری توجه ویژه‌ای کردند. در قرن پنجم میلادی موسی خورنی که لقب پدر تاریخ‌نگاری ارمنی را به خود اختصاص داده، مکتب تاریخ‌نگاری ارمنی را بنیان نهاد. شاگردانش تاریخ‌نگاری او را ادامه دادند. در اواخر قرن پنجم یکی از شاگردان موسی خورنی به نام «غازار پارپه تسی»^۲ مسئول ثبت وقایع آن زمان شد و اثر بزرگ تاریخ ارمنیان را تدوین کرد. بعد از غازار پارپه تسی، کار تاریخ‌نگاری ارمنی را سبئوس در قرن هفتم میلادی به عهده گرفت. سبئوس محتوای کتاب خود را از جایی آغاز می‌کند که غازار پارپه تسی به پایان رسانده بود (بایوردیان، ۵۰-۴۷).

از آنجا که ارمنیان از دیرباز در مسائل سیاسی با ایرانیان تشریک مساعی و همفکری داشته‌اند، مورخان ارمنی نیز در کنار ضبط رخدادها، تاریخ‌های سرزمینشان، حوادث تاریخی و مسائل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را نیز ثبت کرده‌اند. از این‌رو برای زدودن ابهامات و روشن کردن هر چه بیشتر تاریکی‌های تاریخ ایران به‌ویژه در دوره فروپاشی ساسانیان و فتوحات اعراب مسلمان باید از منابع تاریخی و فرهنگی آنان به‌ویژه دو اثر متأخرتر یعنی تاریخ سبئوس و تاریخ غوند. برای به دست آوردن اطلاعاتی از حوادث و رویدادهای آن دوره بهره جست. زرین کوب (۷۴) درباره اهمیت

^۱ Mesroop Mashtots

^۲ Gazar parpe

کتاب‌های سبتوس و غوند (لئونیتوس)^۱ می‌نویسد؛ از منابع دست اول ارمنی می‌توان جزئیات مفیدی درباره فتوحات اعراب بدست آورد، چه مورخان ارمنی به دلیل احاطه بر اخبار و اطلاع بر احوال، دقت بیشتری در فهم و ضبط وقایع به‌کار برده‌اند. او اضافه می‌کند کتاب سبتوس از قدیمی‌ترین منابعی است که نام پیامبر (ص) در آن ذکر شده‌است. همچنین از روایات این کتاب معلوم می‌شود که در واقعه قادسیه بالغ بر ۴ هزار ارمنی به فرماندهی سرداران خویش در سپاه رستم حضور داشتند. اشیپولر (۱۱) هم برای تخمین دقیق تعداد سپاه تازیان به سبتوس مراجعه کرده‌است. مقاله حاضر با بررسی دو اثر یاد شده به دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری این مورخان درباره فتوحات اعراب در ایران و سرزمین‌های پیرامون می‌پردازد.

۱- اسقف سبتوس

سبتوس برجسته‌ترین مورخ ارمنی سده هفتم میلادی است که نامش با تاریخ‌نگاری اسلامی به‌نوعی گره خورده‌است؛ زیرا سبتوس به‌عنوان اولین تاریخ‌نگار غیرمسلمان، گزارش‌هایی از قرن اول اسلامی ارائه کرده‌است. تاریخ سبتوس یکی از کهن‌ترین متون دوره بعد از ظهور اسلام است که در آن می‌توان به اطلاعاتی از تاریخ ایران و سرزمین‌های پیرامون آن دست پیدا کرد (سبتوس، ۱۵). از سبتوس کتاب ارزشمندی به نام *تاریخ هراکل* یا *تاریخ هراکلیوس* که به‌اختصار تاریخ نامیده می‌شود، برجای‌مانده‌است. او تاریخ خود را از دوران افسانه‌ای تاریخ ارمنستان آغاز کرده و شرح رویدادها را تا سال ۶۶۱م ادامه داده‌است (همان، ۱۲۵). تاریخ ولادت سبتوس دقیقاً مشخص نیست اما بر حسب مدارک و شواهد، در اواخر قرن ششم تا نیمه دوم قرن هفتم می‌زیست. بعضی از مورخان ارمنی همچون وارطان باغیشتیسی^۲ معتقدند، از آنجایی که سبتوس مدت طولانی در دربار خسرو پرویز حضور داشته و بیشتر مطالب کتاب او دربردارنده حوادث دوران حکومت وی است، بنابراین می‌توان این کتاب را «تاریخ خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰)» نامید (Sebeous, 2). سبتوس به‌سبب خدمت در دربار

^۱ Leonitos

^۲ Vartan Baghisheci

ساسانی، با فرهنگ و آداب و رسوم مردم ایران آشنا و مأنوس بود، از این جهت می‌توان به گزارش‌های او اطمینان کرد. منابع اصلی کتاب سبئوس عبارتند از کتاب مقدس، نوشته‌های پاوستوس بیوزاند، آگاتانگوس^۱، غازار پارپه تسی، یغیشه^۲ و شمار فراوانی اسناد دیوانی، نامه و مانند اینها (سبئوس، ۱۲۶). سبئوس در سطح فراملی نیز شخصیت شناخته شده‌ای است که از محتوای کتاب تاریخ او می‌توان گزارش‌های کاملی از تاریخ ارامنه، پارسیان، اعراب، یونانیان، گرجیان، آشوری‌ها و مادها به دست آورد. این کتاب به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی و فارسی ترجمه شده است (Sebeous, 3-4).

۱-۱- اهمیت تاریخ سبئوس

تاریخ سبئوس قدیم‌ترین متنی است که از تاریخ ایران و برخی ممالک پیرامون ایران بعد از برآمدن اسلام موجود است. کتاب تاریخ سبئوس جزو معدود متونی است که اطلاعات کاملی از دوره ساسانی و کاملترین گزارش از دوره خسرو پرویز و فتوحاتش ارائه می‌کند. همچنین این کتاب جزو اولین متونی است که درباره ظهور پیامبر ﷺ گزارش داده است. سبئوس به عنوان یک مورخ بی‌طرف درباره رخداد‌های سیاسی زمان خود گزارش داده و دارای دیدگاهی متفاوت نسبت به متون عربی درباره فتوحات اعراب مسلمان دارد. سبئوس در این کتاب بر خلاف متون ایرانی و عربی درباره تاریخ کیانی ایران قبل از هخامنشیان نیز اشاراتی دارد. همچنین تاریخ سبئوس در کنار تحولات سیاسی، مشخصات کامل جغرافیایی آن زمان را نیز شرح می‌دهد.

سبئوس مشاهداتش را ثبت کرده است در حالی که قدیم‌ترین منابع مکتوب در قلمرو ایران پس از اسلام در حدود سال‌های ۲۰۰، از شنیده‌ها و روایت‌ها تألیف شده‌اند. مشاهدات سبئوس از دوره برآمدن اسلام و بیرون آمدن پیروان دین نو از سرزمینشان به صورت روزانه گزارش شده است. بنابراین اهمیت تاریخ سبئوس آن است که در سده هفتم میلادی نوشته شده، و در آن ایام تاریخ‌نگاری بیزانسی و آسوری

^۱ Aghatangeous

^۲ Yeghisheh

در حال رکود و نوشته‌های پهلوی نیز در حال احتضار بودند و تاریخ‌نگاری عرب نیز هنوز پای به عرصه نگذاشته بود و برای چنین کاری به دوست سال زمان نیاز داشت. از این منظر تاریخ سبئوس از ارزش بی‌همتایی برخوردار است (ترغوندیان، ۱۳۱).

از آنجایی سبئوس مانند بسیاری از اندیشمندان ارمنی دوران قرون وسطی در کسوت روحانیت بود، خیلی از مسائل و روایت‌ها را به کتاب مقدس و آیات و متون مذهبی پیوند داده است. سبئوس در آغاز فصل ۴۲، ابتدای ورود به تاریخ اسلام و تشکیل حکومت اسلامی، به سرگذشت خاندان حضرت ابراهیم علیه السلام و اعقاب و سلاله او می‌پردازد. درباره سقوط سلسله ساسانیان نیز به کتاب مقدس، صحیفه دانیال نبی که مدت‌ها قبل اضمحلال چهار پادشاهی بزرگ را پیش‌بینی کرده بود، رجوع می‌کند (دانیال، ب ۷: ۱ تا ۲۸). سبئوس از انگیزه اعراب برای فتح اورشلیم (بیت المقدس) و به‌طور کلی از شروع فتوحات آنان گزارشی متفاوتی می‌دهد. سبئوس انگیزه فتح اورشلیم به دست اعراب مسلمان را به درخواست قبایل دوازده گانه بنی اسرائیل از آنها نسبت می‌دهد. یهودیان برای رهایی از یوغ امپراتوری یونان دست تمسک و اعتصام به سوی آنها دراز می‌کنند و خویشاوندی قوم خود با اعراب را با استناد به کتاب مقدس یادآور می‌شوند. آنها پیکری نزد اعراب می‌فرستند و به آنها می‌نویسند از آنجایی که ما خویشاوندیم و خداوند وعده این سرزمین را به ما و شما داده است، پس بشتابید بسوی ما و ما را از دست یونانیان نجات دهید (Sebeous, 197).

سبئوس به دلیل اینکه اولین منبع غیر اسلامی بود که اطلاعات دقیق و بدون تعصب قومی و مذهبی درباره تاریخ قرون اولیه اسلامی ارائه کرده، منبع اصلی بعضی از کتاب‌ها همچون فتوح البلدان قرار گرفته است. فتوح البلدان بلاذری اطلاعاتی برخلاف دیگر منابع اسلامی، از مورخ ارمنی، سبئوس، در مورد فتوح مسلمین در ارمنستان به دست داده است. خط سیر مسلمین در بلاد «ارمن»^۱ براساس گفته‌های سبئوس و اطلاعات بلاذری یکسان است (محمودآبادی، ۱۶۰). از طرفی هم، بلاذری اولین مورخ

۱. مراد سرزمین ارمنستان است.

مسلمانی است که اخبار فتوحات را با توجه به نوشته‌های سبئوس به نگارش درآورده است (کریستن سن، ۱۱۸). اشتراکاتی نیز از تاریخ سبئوس در کتاب *اخبار الطوال* دینوری به‌ویژه در موضوع فروپاشی سلسله ساسانی دیده می‌شود که می‌توان احتمال داد، تاریخ سبئوس منبع اصلی دینوری در این موضوع بوده‌است. در دوران معاصر نیز اندیشمندانی چون دیوید لانگ، ریچارد فرای، لئو و بسیاری دیگر در پژوهش‌های خود از این منبع بسیار استفاده کرده‌اند (سارگیسیان، ۱۲۷).

پژوهشگران معاصر اثر سبئوس را بسیار مهم دانسته و به تناسب استفاده از این اثر به اهمیت آن هم اشاره کرده‌اند. مهم‌ترین مواردی که از منظر این پژوهشگران منعکس شده عبارتند از: گزارش مفصل سبئوس درباره پنجاه سال تاریخ پسین زمان ساسانی و یورش اعراب مسلمان (بازورث، ۸۹۲؛ رضایی، ۴۹/۷)؛ قدیم‌ترین فرد و موثق‌ترین گزارش‌ها درباره تحولات سده هفتم (کولسنیکف، ۵۹؛ مارکوارت، ۷۶)؛ روشنگری تاریخ مشرق زمین در قرن هفتم به‌ویژه درباره فتوحات اعراب؛ بازتاب دقیق رویدادهای سده‌های ششم و هفتم و تأثیر عمیق در علم تاریخ‌نگاری جهانی (بایوردیان، ۵۰)؛ پرداخت دقیق به مسائل سیاسی در کنار شرح جنگ‌ها، عهدنامه‌ها و معاصر بودن با وقایعی که به شرح آنها می‌پردازد (بیات، ۶۸) و بالاخره منبع ارزشمندی درباره پژوهش‌های ایران‌شناسی، عرب‌شناسی و بیزانس‌شناسی (ترغوندیان، ۱۲۶).

۲-۱- اخبار فتوح ایران در کتاب تاریخ سبئوس

تشکیل حکومت قدرتمند اسلامی و آغاز فتوحات اعراب از بخش‌های مهم کتاب تاریخ سبئوس است که از فصل ۴۲ به بعد بدان پرداخته شده‌است. مولف در این بخش به معرفی آبا و اجداد اقوام عرب می‌پردازد و با استناد به کتاب *مقدس قبايل عربی* که در عربستان زندگی می‌کردند را از سلاله اسماعیل می‌داند که پیامبری بزرگ از میان آنها برانگیخته خواهد شد (پیدایش: ۱۶-۱ تا ۱۲). در ادامه این فصل سبئوس به چگونگی تشکیل حکومت اسلامی و فتوحات آنان می‌پردازد و سپس چگونگی فروپاشی سلسله ساسانی را تشریح می‌کند. سبئوس همچنین از حمله اعراب به ایران و جنگ‌های

قادسیه و نهاوند سخن می‌راند. در خصوص جنگ قادسیه راوی نقل می‌کند که در آن روزگار یزدگرد با ترس پادشاهی می‌کرد زیرا سپاهیان سه‌پاره شده بودند و او در حال کناره‌گیری بود. در آن زمان سپاهیان اسماعیلی^۱ به طرف تیسفون پایتخت ایرانیان به حرکت درآمدند. از سرزمین مادها نیز سپهسالاری به نام رستم با لشکری بالغ بر ۸۰ هزار مرد جنگی برای مقابله با اعراب از رودخانه دجله عبور کرد و به نزدیک منطقه‌ای به نام هرتیکان^۲ رسید. لشکر اسماعیلیان، سپاه ایرانیان را تحت فشار قرار داد و ایرانی‌ها برای ادامه جنگ از امیران ارمنی کمک خواستند. ارامنه برای یاری رساندن به ایرانی‌ها، سپهسالار موشغ مامیکونیان^۳ فرزند داویت^۴ را با ۳ هزار مرد جنگی و شاهزاده گرگور، امیر سیونیک را با هزار مرد جنگی روانه جبهه جنگ کردند (سبئوس، ۲۱۰). سرانجام این جنگ شدید [جنگ قادسیه]، به نفع اعراب به پایان رسید و نیروهای ایرانی و ارمنی همگی از دم تیغ گذشتند و مابقی هم منهزم شدند. پس از جنگ هرتیکان ایرانیان سپهسالاری به نام «خوروخ آزاد» را برای رهایی یزدگرد روانه تیسفون کردند؛ اما او نیز شکست خورد و پادشاه به زحمت توانست از معرکه بگریزد و به جنوب ایران برود. تیسفون نیز به دست اعراب تسخیر شد و تمامی گنج‌ها و اموال شهر به دست اعراب افتاد (همان، ۲۱۷-۲۱۸).

سبئوس همچنین جنگ نهاوند و کشته شدن یزدگرد را روایت می‌کند. در خصوص جنگ نهاوند گزارش می‌کند که لشکریان اسماعیلی ۴۰ هزار و ایرانیان ۶۰ هزار مرد جنگی داشتند، اما به دلیل بی‌انگیزه بودن لشکریان ایرانی، اعراب پیروز می‌شوند و یزدگرد به مناطق مرکزی ایران پناه می‌برد (همان، ۲۲۰). راوی در خصوص کشته شدن یزدگرد نیز گزارشی متفاوت با منابع اسلامی ارائه می‌دهد. او درباره جنگ و گریز

۱. به دلیل انتساب پیامبر ﷺ و قبیله ایشان به اسماعیل علیّه فرزند ابراهیم علیّه، سبئوس مسلمانان را اسماعیلیان می‌نامد.

۲. Hertichan، مراد سرزمین حیره و محل قادسیه است.

۳. در زمان ساسانیان ارمنستان در مواقع جنگ نیروی کمکی برای سپاه ساسانی اعزام می‌کرد.

§ Moshegh Mamikonian

° David

۶. طبق منابع اسلامی، یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی، به دست آسیابانی کشته شد.

یزدگرد تا زمان مرگش می‌نویسد: «در سال ۲۰ از پادشاهی یزدگرد و سال ۱۱ از پادشاهی کوستاند قیصر و سال ۱۹ از حکومت اسماعیلیان، اعراب از جانب خوزستان برای جنگ با یزدگرد به طرف سرزمین پارت‌ها به حرکت درآمدند. یزدگرد از آنجا گریخت؛ اما نتوانست نجات یابد زیرا در نزدیکی مرز کوشانیان اعراب به او رسیدند و سپاه ایران شکست سختی خورد. یزدگرد دوباره گریخت و به سپاه تتالی‌ها^۱ پناه برد. در این حین نیز پادشاه مادها از یزدگرد رویگردان و تسلیم اسماعیلیان شد. تتالی‌ها نیز به یزدگرد وفا نکردند و سرانجام او را پس از ۲۰ سال پادشاهی، به قتل رساندند و امپراتوری ساسانی را پس از ۵۳۲ سال از میان برداشتند» (Sebeous, 263).

از گزارش سبئوس آشکار می‌شود که اصلی‌ترین انگیزه اعراب برای حمله به ایران بشارت پیروزی و مأموریت‌گرایی آنها از سوی پیامبر ﷺ و دست یافتن به ثروت‌های عظیم و گنج‌های ارزشمند کاخ‌های ساسانیان بوده‌است. اعراب به‌رغم تعداد کمتر، بر سپاه بزرگ و البته بی‌انگیزه ساسانیان غلبه کردند. در گزارش سبئوس همچنین به این حقیقت مهم اشاره می‌شود که ساسانیان در آستانه یورش اعراب مسلمان در منتهی‌الیه ضعف خود بودند و این امر از دید اعراب پنهان نبود و انگیزه آنها را بیشتر می‌کرد. همچنین سبئوس خوی اعراب مسلمان را غارتگرانه توصیف کرده و در چند جا به غارت و قتل‌عام عمومی ایرانیان توسط اعراب مسلمان اشاره می‌کند (همان، ۲۱۸، ۲۵۶). او شکست سلسله ساسانیان را به دو عامل، یکی ضعف و فتور ایرانیان و خیانت برخی از سرداران ایرانی و دیگر انگیزه‌های دینی و مادی اعراب مسلمان نسبت می‌دهد (Bakshihan, ۱۱۲).

۲- غوند مورخ

غوند مورخ ارمنی قرن هشتم میلادی و مؤلف کتاب تاریخ است. او به «غوند یرتس»^۲ یا «غوند مورخ» معروف است. اطلاعات دقیقی از محل تولد و تاریخ

۱. تتالی‌ها اقوام بیابان گرد آسیای مرکزی بودند.

۲. Yerets، به معنای عالم و پیشوای دینی است.

ولادت و زندگی این مورخ در دست نیست. غوند کودکی را در منطقه «گوقت»^۱ سپری کرد و سپس برای کسب علم و دانش به مدرسه علمیه شهر «دوین»^۲ رفت. غوند با واقعیات زندگی ارتباط ناگسستنی داشت و آن‌طور که خود نقل کرده در تمامی حوادث و رویدادهای تاریخی حضور داشته و آنچه را که خود دیده و شنیده به رشته تحریر درآورده است. غوند در بعضی از عملیات نظامی بی‌طرفی خود را نسبت به جنگ‌ها و پیروزی‌هایی که نصیب دشمن شده، حفظ کرده و نقل‌قول‌هایی را از زبان دشمنان به‌درستی بیان کرده است. از یادداشت نویسنده مشخص می‌شود که وی نگارش کتاب را بنا به درخواست شاپوه باگراتونی نجیب زاده ارمنی و بزرگ خاندان باگراتونی تقبل کرده است (Ghevond, 3). احتمالاً نگارش این کتاب در سال ۷۹۰ م به پایان رسیده است.

۲-۱- اهمیت کتاب غوند

غوند در دوره تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی زندگی کرده است. او به‌عنوان مورخی نسبتاً بی‌طرف وقایع قرن هفتم و هشتم میلادی در شبه‌جزیره عربستان و سرزمین‌های پیرامونی به‌ویژه تحولات سیاسی و اجتماعی در حال وقوع در حوزه دو امپراتوری بزرگ و در حال فروپاشی ساسانی و رم را گزارش کرده است. غوند اطلاعات مفیدی درباره تحولات دو قرن اول هجری می‌دهد و تا حدی تمرکز گزارش‌های وی بر اخبار فتوحات و همچنین تاریخ خلفا بوده‌است؛ از این‌رو برخی مورخان ارمنی بعد از او، کتاب *تاریخ غوند* را «تاریخ غوند و اخبار خلفای اسلامی» نامیدند. غوند به‌طور دقیق و با گاه‌شماری، تاریخ دوره معاویه (حک. ۶۸۰-۶۶۱) تا هارون‌الرشید (حک. ۸۰۹-۷۸۶) را ثبت کرد (Bakshihan, 113; Ghevond, 9). غوند همچنین وضعیت اقتصادی و منابع مالی و درآمدزایی سرزمین‌های اسلامی را

۱. Gogth، یکی از روستاهای ارمنستان در استان کوتایک است.

۲. Dvin. از شهرهای ارمنستان باستان در نزدیکی رود ارس و جنوب ایروان است. این شهر در زمان خسرو، پادشاه اشکانی ارمنستان، محل تفریح و نخجیر این پادشاه بوده‌است. در زبان فارسی «دوین» به معنی تپه است (خورنی، ۱۹۶).

تشریح کرد. او همچنین مسئله خراج را که منبع اصلی درآمد سرزمین‌های اسلامی محسوب می‌شد و حیات خلافت بر پایه آن متکی بوده را به خوبی تشریح کرده است به‌طوری‌که می‌توان ردپایی از این بخش کتاب را در آثار مورخان عرب مانند قاضی ابویوسف در کتاب *الخراج*^۱ پیدا کرد. به نوشته غوند جمع‌آوری مالیات و جزیه از طرف اعراب در بلاد ارمنیه به صورت مالیات مستقیم و نقدی بوده‌است و اعراب به‌جای کالا و محصولات از مردم و کشاورزان سکه‌های نقره می‌گرفتند و مردم برای تهیه مسکوکات مجبور بودند کالاهای خود را به هر قیمتی بفروشند، در نتیجه بلاد ارمنیه با کمبود پول نقره مواجه شد. اوضاع نابسامان اقتصادی ناشی از خراج سنگین، موجب مهاجرت زمینداران ارمنی از ارمنستان شد و اعراب زمین‌های آنها را تصاحب کردند. به گزارش بعضی از مورخان عرب، در زمان هارون الرشید، خراج سالیانه ارامنه به ۱۳ میلیون سکه نقره رسید، در حالی‌که خراج سالیانه ارمنستان ۴ میلیون نقره بود. سیاست تضعیف و فشار خلافت بر ارمنیه به دو دلیل بود: فقر شدید مجال قیام را از بین می‌برد و دیگر اینکه از طریق ارمنیه بر امپراتوری بیزانس فشار می‌آوردند (Bakshihan, 112 ; Ghevond, 9).

از کتاب *تاریخ غوند*، می‌توان در مسائل داخلی جهان اسلام و مسائل مدیریتی، سیاسی و اجتماعی اطلاعات سودمندی به‌دست آورد، اطلاعاتی که در هیچ‌یک از منابع غیر اسلامی آن زمان نمی‌توان یافت. به‌عنوان مثال تقسیم مملکت اسلامی به دو مرکز عمده سیاسی، یکی حوزه اداری آشور (شام) به مرکزیت «طرسوس»^۲ و دیگری حوزه اداری میانرودان (الجزیره) به مرکزیت «ملطیه»^۳ و همچنین تعیین حدود و ثغور این

۱. با وجود شباهت گزارش‌های قاضی ابویوسف و دیگرانی چون ابوزکریا یحیی بن آدم، ابوعلی الحسن بن زیاد اللؤلؤی، ابوعبدالرحمن الهیثم بن علی الثعلبی، احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابی‌سهل الاحوال، ابوالقاسم عبیدالله بن احمد الکلوذانی و قدامه بن جعفر با *تاریخ غوند* در مسائلی مانند غنیمت، فیء، خراج، جزیه، ثروت‌هایی که از راه جنگ و یا غیر جنگ به‌دست می‌آمد، هیچ اشاره‌ای به استفاده از این کتاب نشده‌است. به نظر می‌رسد به دلیل متن ارمنی کتاب *تاریخ غوند*، خراج نویسان مسلمان امکان استفاده از این کتاب را نداشته‌اند.

۲. نام شهری واقع در ۴۰ کیلومتری شهر آدانا در ترکیه امروزی است.

۳. شهری واقع در غرب فرات، در دامنه‌های کوه‌های توروس در ترکیه امروزی است.

مناطق در تاریخ غوند مطرح شده است (Ghevond, 12).

غوند به عنوان مورخ قرن ۷ و ۸ میلادی، حوادث بین سالهای ۶۲۰ تا ۷۸۰ میلادی را به رشته تحریر درآورده است. البته حوادث ثبت شده بین سالهای ۶۲۰ تا ۶۶۰ میلادی این کتاب با کتاب سبتوس شباهت‌های زیادی دارد و ارزش کار غوند مربوط به حوادث سال ۶۶۰ به بعد است که مورخ بیشتر مطالب این سال‌ها را از دیده‌ها و شنیده‌های خود به ثبت رسانده است.

قدرت پردازش غوند نه تنها در ثبت رویدادها بلکه در ترسیم تصویر روشنی از جغرافیای مناطق است. نویسنده اطلاعاتی در زمینه آب‌وهوا، پوشش گیاهی و پراکندگی جمعیت‌های انسانی به‌طور دقیق و ملموس به خواننده ارائه می‌کند، از این‌رو تاریخ غوند یکی از منابع مطالعاتی جغرافیای شرق آسیای صغیر شده است (مانوکیان، ۶۲). از قسمت‌های مهم دیگر این کتاب، نامه معروف عمر به لئون، امپراتور روم، برای دعوت آنها (رومیان) به دین اسلام و پاسخ لئون به این نامه است که مورخ در سفر خود به قسطنطنیه این نامه را به‌دست آورده و عیناً در متن خود گنجانده است (Ghevond, ۳).

۲-۲- محتوای کتاب تاریخ غوند

غوند در ابتدا به بررسی شکل‌گیری حکومت اسلامی و معرفی کسانی که امیرالمؤمنین خوانده می‌شدند، می‌پردازد. نام حضرت محمد ﷺ برای اولین بار در منابع غیر اسلامی توسط سبتوس و سپس غوند بیان شده است. در این کتاب همچنین می‌توان به سال تشکیل حکومت‌های خلفای اولیه اسلامی با ذکر گاه‌شماری آن دست پیدا کرد (Ghevond, 5-6). غوند به مانند خیلی از علمای مسیحی آن زمان، فتوحات و تهاجمات اعراب به سرزمین‌های مسیحی را بلایی آسمانی می‌دانست که از طرف خداوند به سبب گناهان کشورهای مسیحی بر آنها نازل شده بود (Ghevond, 18-). (۲۰; Babayan, 336).

در فصل‌های نخستین کتاب، غوند مانند سبتوس در مورد تشکیل حکومت اسلامی و

خلفای اولیه و نیز توافق یهودیان با اعراب گزارش‌هایی می‌دهد و در ادامه به چگونگی فتح سرزمین‌های روم و ایران و در نهایت ارمنستان می‌پردازد. البته بیشتر متن این کتاب مربوط به فتح ارمنستان و بیزانس است. در اثنای این گزارش‌ها اخبار مربوط به ایران نیز نهفته است (Ghevond, 18). در فصل ۲۷ غوند به واقعه قیام ابومسلم و سقوط خلافت بنی‌امیه می‌پردازد. راوی ابومسلم را فردی خردمند که از توانایی‌های خاصی برخوردار بوده معرفی می‌کند و می‌نویسد: او رهبر جنبشی قرار می‌گیرد که بر اثر ظلم و تعدی بنی‌امیه و نارضایتی ملل تابعه به‌ویژه خراسان شکل گرفته بود. غوند همچنین جزئیات جنگ سپاه ابومسلم با لشکریان مروان بن محمد را گزارش می‌کند و چگونگی پیشروی سپاهیان ابومسلم تا آن سوی رودخانه دجله و تسخیر شهر آگوقا^۱ و بصره تا پیروزی نهایی جنگ را بیان می‌کند. راوی کشته‌شدگان سواره‌نظام لشکر مروان را ۳۰۰ هزار تن گزارش کرده است (Ghevond, 103).

این کتاب شامل ۴۴ فصل است که بیشتر متن آن روایات مربوط به فتوحات و دوران خلافت امویان و عباسیان و قسمت دیگر متن شامل نامه‌های امرا و فرمانروایان است (Babayan, 349).

۳-۲- گزارش‌های غوند درباره فتح ایران

غوند در فصل دوم کتابش بعد از گزارش فتح فلسطین و شام به امپراتوری قدرتمند ایران می‌پردازد. او درباره فتح ایران می‌نویسد: «بعد از یک سال آنها جسارت حمله به ایران را پیدا کرده و شروع به جمع‌آوری لشکر برای یورش به ایران شدند». در آن ایام یزدگرد نوه خسرو بر ایران فرمانروایی می‌کرد. او نیز برای مقابله آماده شد، اما نتوانست در برابر آنها مقاومت کند. یزدگرد کشته شد و تمام سپاهیان^۲ش به زیر تیغ کشیده شدند. بعد از ۴۸۱ سال^۳ پادشاهی پارس‌ها سقوط کرد. اسماعیلیان کشور را ویران کرده، تمام

۱. Aghoola، نام قدیم شهر کوفه است.

۲. مراد یزدگرد سوم است که بر اساس منابع اسلامی در مرو به دست آسیابانی کشته شد.

۳. ساسانیان در سال‌های ۲۲۴-۶۵۱ بر ایران حکمرانی داشتند، از این شاید غوند به اشتباه مدت حکومت اشکانیان را نگاشته است.

گنج‌های دربار را غارت کردند (Ghevond, 20).

بعد از سقوط ایران لشکر آنها به چند قسمت تقسیم شد. یک قسمت از لشکر در ایران ماند و قسمت عمده لشکر که شامل سربازانی آماده و جنگاور بودند، از طریق ایران به طرف ارمنستان یورش بردند و شهرهای ماد، نخجوان و دستگرد را تسخیر کردند. آنها بسیاری را اسیر کرده و با عبور از رود یراسخ^۱ به سرزمین‌های خود بردند. پس از تسلط اعراب بر منطقه و قتل و غارت و هرج و مرج و اوضاع نابسامان، در نهایت ارمنی‌ها سر به شورش برداشتند. آنها به رهبری تئودورس رشتونی با معاویه توافق کردند و حکومت مستقلی در ارمنستان تشکیل دادند. ارمنی‌ها برای سه سال از پرداخت خراج معاف شدند. آنها متعهد شدند بعد از آن خراج سالیانه خود را بپردازند در مقابل اعراب نیز متعهد شدند در صورت تهدید ارمنستان از جانب روم، از ارمنستان حمایت کنند (Ghevond, 21).

گزارش غوند درباره فتح ایران توسط اعراب مسلمان نسبت به گزارش‌های سبئوس کوتاه و مختصر است اما غوند در همان گزارش کوتاه به چند نکته اساسی اشاره می‌کند. از مهم‌ترین این نکات می‌توان به آگاهی اعراب از سستی و اوضاع نابسامان ساسانیان، وجود خوی غارتگری و چپاول در میان سپاهیان اعراب و ویرانی‌های گسترده سپاهیان اعراب در ایران اشاره کرد.

نتیجه

دو کتاب تاریخ سبئوس و تاریخ غوند از نظر زمانی نزدیک‌ترین منابع به تحولات تاریخ صدر اسلام به‌ویژه فتوحات اسلام در دوره خلفای اولیه و بنی‌امیه است. گزارش‌های این منابع بیشتر حاصل دیده و شنیده‌های آنهاست. نگارش تاریخ سبئوس و تاریخ غوند در قرن اول و دوم هجری انجام شده، از این رو به دلیل وجود اشتراکاتی در کتاب‌های مورخان عرب و ایرانی قرن سوم به بعد با این دو کتاب، می‌توان گفت که این دو کتاب منشأ اصلی منابع تاریخ نگاری اسلامی قرار گرفته‌اند. بنابراین این کتاب‌ها

۱. Araz؛ یراسخ همان رود ارس است.

دارای ارزش فراوانی هستند. باتوجه به اینکه سبئوس و غوند شاهد بسیاری از وقایع بودند و درگیر تعصب مذهبی و نژادی نسبت اعراب نیز نبودند، حقایقی را مطرح ساختند که بعدها مورخان دیگر از بیان آنها امتناع ورزیدند. بخش آخر کتاب *تاریخ سبئوس* و کل کتاب غوند به روایت فتوحات اعراب اختصاص دارد. این دو کتاب از لحاظ محتوایی و نوع گزارش‌ها شباهت‌های فراوانی دارند، همچنین روایات هر دو کتاب دارای بار معنایی و ادبی هستند که به ارزش و اعتبار آنها می‌افزاید. بر اساس گزارش‌های این دو کتاب سرمنشأ فتوحات اعراب چه در ایران و چه مناطق پیرامون، به خاطر یک بینش و تفکر جدید دینی بوده‌است. اختلافات و ضعف داخلی و خیانت نزدیکان پادشاه ایران نیز در انقراض ساسانیان مؤثر بوده‌است. آن دو همچنین به نسبت با منابع اسلامی، گزارش متفاوتی از کشته شدن یزدگرد ارائه کرده‌اند. سبئوس و غوند معتقدند که ممالک مسیحی به سبب غضب خداوند، مورد تهاجم اعراب قرار گرفته و قسمتی از سرزمین‌های خود را از دست دادند. هر دو مورخ بر این امر تأکید دارند که اعراب در سرزمین‌های فتح شده، بی‌عدالتی، ویرانگری، قتل و غارت کردند و از اصل تعلیمات و آموزه‌های دینی خود فاصله گرفتند و موجب رنجش خیلی از اقوام شدند. هر دو مورخ انگیزه فتح سرزمین فلسطین توسط اعراب را بر مبنای تقاضای یهودیان از آنها بیان کرده‌اند.

منابع

- اشپولر، برتولد، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- بازورث، کلیفورد ادموند، *تاریخ ایران کیمبریج، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، یارشاطر، احسان (گردآورنده)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- بایبوردیان، واهان، «ایران‌شناسی در منابع ارمنی»، پیمان، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان، ۱۳۷۶.
- بیات، عزیزالله، *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
- ترغوندیان، آرام، *نامداران فرهنگ ارمنی از سده ۵ تا ۱۸ میلادی*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- خورنی، موسی، *تاریخ ارمنستان*، ترجمه گئورگی نعلبندیان، ایروان، انتشارات دانشگاه دولتی ایروان، ۱۹۸۴.
- رضایی، عبدالعظیم، *گنجینه تاریخ ایران*، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، *تاریخ ایران بعد از اسلام*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۵.
- سارکسیان، گارون، «تاریخ اسقف سبئوس و اهمیت آن در پژوهش تاریخ ایران»، پیمان، شماره ۳۴، زمستان، ۱۳۸۴.
- سارگیسیان، گاگیک، «موسی خورنی»، پیمان، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان، ۱۳۷۶.
- سبئوس، *تاریخ سبئوس*، بر پایه ترجمه آر. دبلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۶.
- *کتاب مقدس*، اچمیادزین، انتشارات کتاب مقدس حوزه علمیه اچمیادزین، ۱۹۹۴.
- کریستن‌سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۸۰.
- کولسنیکف، آ. ای، *ایران در آستانه یورش تازیان*، ترجمه م. ر. یحیایی، تهران، آگاه، ۲۵۳۵.
- گهرویی، فاطمه، *تاریخ ایران باستان در آینه مورخان ارمنی*، تاریخ ایران اسلامی، شوشتر، دوره ۶، شماره ۱، شهریور ۱۳۹۷.
- مارکوارت، یوزف، *ایران‌شهر بر اساس جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.

- مانوکیان. آرپی، «ملاحظات بر متن تاریخ قوند و روایت‌های آن»، پیمان، شماره ۸۶، زمستان ۱۳۹۷.
- محمودآبادی، سیداصغر، *امپراتوری ساسانیان در گزارش‌های تاریخی اسلامی و غربی*، اصفهان، ناشر افسر، ۱۳۸۴.
- نوری زاده، احمد، *تاریخ و فرهنگ ارمنستان*، تهران، چشمه، ۱۳۷۶.
- Bakshihhan, Melikh, *Source study of Armenian history*, Yerevan publishing House of Yerevan State University, 1979 (Բախշեան, Մելիք, 1977).
- Babayan, Leon, *Part of the history of Armenia in the Middle Ages*, Yerevan, the edition of the Armenian Academy Of Science, 1977. (Լեւոն Բաբայան, 1977)
- Ghevond, *History of Ghevond*, Yerevan, edition of Sovetakan Grogh, 1982. (Դևոնդի Պատմություն, 1982).
- Sebeous, *History of Sebeous*, Yerevan, University of Yerevan, 2005. (ՍԵԲԵՈՍ ՊԱՏՄՈՒԹՅՈՒՆ 2005).